

جدال تاریخ و تقویم،
جوهر هنر در اندیشه، گفتار و کردار
زرتشت
دکتر بُرزو نجمی

در شماره پائیزی ایران زمین یادآور شدم که اشو زرتشت در سال ۱۷۶۷ پیش از میلاد پا بعرصه وجود گذاشته و زمانی که ۴۲ سال از عمرش گذشته بوده شالودهٔ رصد تازه ای را استوار کرد و کبیسه (بهیزک) را حساب و تاریخ های قدیم را درست و منظم نموده. زرتشت بطوریکه بکرات در کتاب تاریخ و نجوم نوشته شده از گردش زمین و مدت آن اطلاع دقیق داشته و توانسته است سال شمسی را بطور بسیار دقیق کبیسه نماید. برای درک ساده تر، این نوشته ام را در سه بخش باتمام میرسانم، رصد، جدال تاریخ و هنر زرتشت.

۱- رصدخانه های قدیم که زرتشت و ایرانیان باستان تاریخ و تقویم را رصد می کردند:

الف - رصدخانه زرتشت در زابل سیستان واقع شده بوده و اولین و قدیمی ترین رصدخانه ای بوده که زرتشت آنرا تأسیس نمود. زرتشت نام این رصدخانه را «جاودان کت» گذاشت که بعدها بنام بهشت کنگ یا کنگ دژ و تازیان آنرا قبه الارض نامیده اند. سبب انتخاب

ایران زمین

این مکان برای رصدخانه این بوده که هروقت در نیمروز (زابل - سیستان) ظهر بوده، همه جای دنیای قدیمی آنروزی روز بوده (پیش یا بعداز ظهر). این رصدخانه در عرض ۳۳ر۵ درجه قرار گرفته بوده و در وسط دو ساحل شرقی و غربی خشکی جهان آنروزی بوده. انتخاب این محل عرضی آن است که تا عرض ۶۷ درجه اپاختری (شمالی) کره زمین قابل آبادانی است و باین ترتیب این رصدخانه درست در وسط آبادانی جهان آنروزی قرار می گرفت. جبر زمانه و آفات آسمانی بتدریج این رصدخانه را نابود نموده است.

ب - قدیمی ترین رصدخانه خورشیدی موجود در جهان به نام نقش رستم در ایران موجود است. موجودیت این رصدخانه نشانه پیشرفت دانش اخترشناسی و دیگر علوم در دوران هخامنشیان و ایران باستان است. نقش رستم در ۶ کیلومتری اپاختری تخت جمشید است که با قدمت بنائی بیش از دو هزار و پانصد سال معروف به کعبه زرتشت میباشد. بطور یقین، این رصدخانه خورشیدی برای سنجش گردش خورشید و نگه داشتن حساب سال و استخراج تقویم و تشخیص روزهای اول هرماه خورشیدی و انقلاب های تابستانی و زمستانی و اعتدالهای بهاری و پائیزی و دیگر رویدادهای سالنامه نگاری بکار میرفته است. ارتفاع این ساختمان ۱۲ر۵ متر است و در قسمت اپاختری آن ۳۰ پله دیده می شود. این پله ها در حکم یک صفحه مدرج است و کنار هریک از آنها محاسبه زمان از راه خورشید است.

ایران زمین

پله ها طوری ساخته شده اند که سایه لبه عمودی بنا به هنگام طلوع خورشید در هریک از ماه های سال به ترتیبی ویژه بر روی پله ها می افتد. در پله ها ترتیبی وجود دارد که میتوان از روی آن نزدیک شدن آغاز سال هخامنشی (روز اول مهر- چون طول روز و شب یکی است) را روز بروز تعیین کرد. بر هر سه ضلع خورآیان (شرقی) بنا شش پنجره یا آفتاب سنج دیده میشود که میشود نزدیک شدن سال نو را هفته به هفته تشخیص داد. و این نشان میدهد که بر خلاف عقیده رایج، ایرانی ها از واحد زمانی هفته در آن زمان استفاده میکرده اند. رصدخانه کعبه زرتشت (نقش رستم) در فاصله کوه سیوند واقع شده که طلوع خورشید در زمان درازترین روز تابستان بلافاصله در لبه خورایانی (شرقی) کوه و غروب خورشید در ایام اعتدال (برابر بودن شب و روز) بهاری و پائیزی در لبه غربی کوه دیده میشود. همه این دلایل همراه با تحقیقات بر روی نوشته های هخامنشی، نمایانگر این واقعیت است که اخترشناسان ۲۵۰۰ سال پیش با قوانین حرکت خورشید، ماه، سیارات و ستارگان را استخراج و بدیگر پدیده های آسمانی از نمونه ماه و خورشید گرفتگی آشنا بودند و آنها را از پیش حساب میکردند و میدانستند که زمین مرکز جهان نیست ، هم گردش بدور خود دارد و هم دور خورشید می چرخد.

«نابوریمانو» اخترشناس دوره هخامنشی کتیبه معروف کمبوجیه ۴۰۰

ایران زمین

را در رصدماه، مشتری، زُحل و مریخ (ناهید، کیوان، بهرام) از خود بیادگار گذاشته است. در این متن رصد دقیق ماه، سیاره ها و محاسبه های مربوط به طلوع و غروب آنها به دقت نوشته شده است. کتیبه ها حاکی از آن است که در قرن ششم پیش از میلاد و در دوره هخامنشی پیشرفت دانش اخترشناسی در ایران روی کشورها اثر گذاشته و زمینه سفر فیثاغورث دانشمند یونانی را بایران فراهم کرده است.

بعد از هخامنشیان، بسیاری از نوشته ها و علوم به یونان انتقال یافت و برادرزاده ارسطو تعدادی از متن های نجومی را بدرخواست عمویش به یونان برد و آنها آنچه را خواستند رونویس کردند. پ - دو بنای دیگر شبیه به کعبه زرتشت (نقش رستم) وجود دارد که یکی در پاسارگاد و دیگری در ناحیه «میرا» در جنوب غربی ترکیه امروز که همان سرزمین های جنوب غربی سرزمین بعدی هخامنشی است . . . چشم میخورند.

۲- جدال بر سر تاریخ و تقویم: زمین دارای دو حرکت موضعی و انتقالی است که اولی بدور محور خود و هر ۲۴ ساعت انجام می گیرد و دیگری که بدور خورشید است و مدت آن ۳۶۵٫۲۴۲۲ روز است. حرکت موضعی باعث پیدایش شب و روز و حرکت انتقالی فصول مختلفه را بوجود میآورند. سال قمری مدت زمانی است که ماه بدور خورشید میگردد و طول مدت آن کمی بیشتر از ۳۵۴ روز است.

ایران زمین

گردش ماه بدور زمین هر ۲۸ روز است. آریائی های قبل از زرتشت مانند سومری ها، بابلی ها، فنیقی ها و افراد ساکن بین النهرین و ماوراء النهر تاریخ قمری - شمسی را بکار میبردند ولی زرتشت آنرا به شمسی تبدیل نمود و کیسه را ایجاد و سال را به ۱۲ ماه سی روزه تبدیل نمود (۳۶۰ روز). پنج روز کمبود سال را در آخر سال قرار داد که زرتشتیان آنرا پنجه آخر سال (تازیان آنرا به پنجه مستسرقه نامیدند) و هر ۴ سال یکروز اضافی را در آخر پنجه اضافه نموده و آنرا اورداد (یا روز اضافی) می نامند.

امروز بدرستی ما نام ۳۰ روزهای گاتهای را نمیدانیم ولی نام های روزهای هفته مشخص است ولی نام ۳۰ روز هخامنشی و ساسانیان مشخص است.

در حدود یک قرن پیش (در مغرب چین) در تورفان و یا در شرق فلات ایران آثار و نوشته بسیاری به خط گشته دبیره پیدا شد. برخی از دولت های اروپائی قسمتی از آن ها را میان خود تقسیم کردند. این نوشته ها بسیار ارزشمند و با کمک آن خیلی از مشکلات و ناراستی های تاریخ حل شده است. نوشته های نجومی این قسمت از قرن نهم پیش از میلاد است. در آن نوشته ها نام های سغدی یا خوارزمی دیده میشود و پنج روز اضافه (خمسه یا بهیزک یا کیسه) در آخر سال است. این نوشته ها حقیقت های بسیاری را ثابت نموده و زایش اشوزرتشت و سال درگذشت او را بطور حتمی واضح نموده که

سالها مورد بحث بود.

از قرن هفتم هجری به بعد فرصت بیشتر و بهتری برای اخلاص در تقویم باستانی پیدا شد. جدال بر سر تاریخ و تاریخ‌گذاری و وضع تاریخ جدید در اواسط قرن سوم هجری شروع میشود. ابوریحان بیرونی، فیلسوف، منجم، دانشمند در مقدمه کتاب آثار الباقیه اش می‌نویسد که من این کتاب‌ها را نوشتم تا خواننده را از مراجعه به کتابهای دیگر بی‌نیاز کنم. معلوم میشود که کتابهایی در باره تقویم و تاریخ‌گذاری در آن عصر نوشته شده است. هیچ کتابی راجع به تاریخ و تقویم‌گذاری به نظر نرسیده است که آثار جعل و حک و اختلاف روایات که نتیجه همان دست‌کاری باشد در آن دیده نشود. آنچه قابل توجه است اینکه در حسابهایی که نتیجه آن درست نباشد، شکایت بسیاری از معدوم شدن کتب تاریخ و آثار تاریخی و بی‌اطلاعی منجمین قدیم شده است تا خواننده را از بحث و دقت در حساب منصرف کنند. در نوشته‌های بیرونی که دقیق‌ترین آنها بوده است مخصوصاً در آثار الباقیه از همه بیشتر دست‌برده اند ولی چنانکه خود در آخر کتاب اشاره مبهمی کرده است، خود چنین کاری را پیش‌بینی می‌کرده است، لهذا مطالب اساسی را که مقصود بوده طوری در کتاب پراکنده کرده است که باسانی تشخیص اهمیت و حک و اصطلاح آن امکان ندارد. مدارک تورنان چین حساب را بیش از آنچه تصور میرفت منظم و روشن میکند.

ایران زمین

از این نوشته های پیدا شده اخیر چنین نتیجه گیری میشود که ۱- ولادت زرتشت در اوائل هزاره دهم است که هزاره جدی است و این هزاره از قرن هیجدهم پیش از میلادی (پیش از میلادی) شروع میشود ۲- فاصله زمانی میان زرتشت و مانی در حدود دوهزار سال است ۳- ولادت زرتشت ۲۷۱۵ سال و شش روز بعد از تاریخ طوفان است ۴- مبدأ تاریخ طوفان ۴۴۸۰ سال پیش از میلاد است. بنابر این سالروز تقریبی تولد زرتشت ۱۷۶۵ سال (۲۷۱۵-۴۴۸۰) قبل از مسیح است که با حساب دقیق ۱۷۶۷ سال میشود. با این حساب تولد حضرت موسی ۱۵ قرن قبل از مسیح و سه قرن بعد از حضرت زرتشت است و تولد افلاطون ۱۴ قرن بعد از زرتشت بوده است.

۳- زرتشت و هنر او: جوهر هنر یعنی خیال آفریننده و خلاقیت همان جوهریست که از طرف آفریدگار به زرتشت عطا شده بود و آن رادمرد والاتبار همیشه در اندیشه اش طاهر و در کردار و گفتارش بکار می بست. هنر آئینه روشن و راستگوی زندگی است و همیستار ترور و جنایت است که با رسالت هنر هم خوان نیست. رسالت هنر آفریدن است و آفرینندگی و با همین انگیزه خلاقیت است که با خداوند پهلو میزند. هنر زائیده روح است نه جسم.

قدرتها همیشه از هنر و بازتابهای هنری ترس داشته اند. زیرا هنر ضد قدرت است. هنر در پایه آزاد آفریده شده و یگانه ای است که در آزادی پایدار مانده است، زیرا ذات هنر از روشنائی و از ذات

ایران زمین

خدائی والاتر سرچشمه می گیرد و چنین است که هنر هرگز همراه قدرت و یا در کنار قدرت نبوده است. زرتشت، آن پاکترین، نابغه ترین و والاترین ابر مرد تاریخ با جوهر هنر خدادادی اش و با اندیشه خلاقیت سازش توانست در حدود ۴ هزار سال پیش، از روی خرد روشن خویش، آفریدگار جهان را آن چنان درگاتهایش مجسم کند که کافران را مات و زاهدان را شعف زده و عاشق پروردگار نماید. زرتشت تنها و تنها آفریننده خدای نیکی است و در گاتهایش (کتاب مقدس زرتشتیان) چنان به راز و نیاز با خداوند میپردازد که یک دوست با دوست، نه به عنوان بنده و نوکر. آموزشهای گاتهای زرتشت نشانگر حقیقتی است که شایسته انسان سده بیست و یکم است. آموزش های خردگرای این پیام آور پاک، ساده، منطقی، و همیشه تازه و عاری از اسطوره و بر اساس برابری زن و مرد، حفظ محیط زیست، صلح و دوستی، دوری از جنگ و کشتار، احتراز از نابودی حیوانات، دروغ، حسادت و خشم است. در نظر زرتشت پناهگاه حقیقی انسانها فضائل معنوی آنها و عمل نیک شان می باشد که یآوری حق نیز در همین نهفته است.

لازم است بدفترهای خودمان بنگریم که هنوز هنرهای بزرگ ما محدودند و عمومیت نیافته اند تا اندیشه های تابان این خطه پاک ایران اهورائی و خراسان و خوارزم بزرگش که تا شمال هند و غرب چین امتداد داشته است و سر فصل و فرانام همه دفترهای بزرگ

ایران زمین

جهان گردیده و شناخته میشوند را باز شناسیم. ما در همه چیز مبتذل و مهوع پیشرفت کرده ایم جز در شناسائی جوهر هنر که برآستی ناشناس مانده است و نازا.

سعدی با طنز خود این مسئله را بسیار قشنگ روشن می کند که بطور سربسته می نویسد: اگر کفش نداری پا را به بین و اگر پا داری، بی دست و پا را به بین. این رندی در واقع حرفهای کشیش، واعظ و مفتی است در زمینه شکرگزاری خداوند، خداوندی که قادر به همه کار است ولی به جز دست زدن به کارهای منفی کار دیگری نمی کند.

هنرمندان ما خداوندان «کلام و گفتار» در این زمینه سر بزیر داشته اند و گاهی با همه ماهیت وجود خود، این سدهای نشکن عظیم را شکسته و از آن رد شده اند. دریغا که باین آثار و کلمات زرتشت، بررسی دقیق آن چنانی نشده که شایسته آن است و باشد که آیندگان چنین کنند. نوشته خود را با جمله ای بسیار گویا و زیبا از ابوالعلاء معزی خاتمه میدهم که میگوید: تبریک یاد تو را ای آفریدگار جهان برای آفرینش است، ولی گوارا نباشد و نشاید تو را برای زشتی های آفرینش.

دروود جاودانی به مانتره های پاک (گاتهای زرتشت)

مأخذ

۱- تقویم ، تاریخ در ایران - ایران کوده - شماره ۱۵ - ذبیح بهروز تهران

ایران زمین

- ۲ - نوشته های دکتر رضا مرادی قیاس آبادی - تهران ۳ - تاریخ ایران دکتر بختور تاش
۴ - تاریخ ایران باستان: دکتر تفضلی تهران ۵ - گاتهای زرتشت ترجمه موید رستم شهزادی تهران.
۶ - اوستا (یک جلدی) : هاشم رضی تهران .

Exploring the Planet by Eric Christiansen & kenneth Hamblin
History of Zoroastianism By Dr. N. Dhalla